

خیلواکی



استقلال

www.esteqaal.net

شنبه ۱۲ اپریل ۲۰۲۵

پروژه عدالت افغانستان

جنايات حكومت هاى وابسته به شوروى

قسمت اول

كودتاي حزب دموكراتيك خلق و تجاوز شوروى

جنگى كه در افغانستان حدود ربع قرن طول كشيده از 27 اپريل 1978 شروع شد زمانيكه حزب دموكراتيك خلق افغانستان (PDPA) كه يك شاخه كوچك جداشده از حزب ماركسيست-لنينيست، يك كودتا به راه انداخته و رئيس جمهور محمد داود خان را سرنگون كرده و وي را با اكثريت اعضاى فاميلش كشتند. سپس حزب دموكراتيك خلق به مبارزه نابرابر و جاه طلبانه مبادرت ورزيده تا افغانستان را به يك حالت مدرن سوسياليست تبديل كند. در جريان اين مرحله، نيروهاى حزب خلق عمدتاً از سازمان اطلاعات (خاد) علاوه بر پوليس و اردوى ملى مرتكب جنايات جنگى به مقياس وسيع شده اند. مبادرت به اصلاحات و اقدامهاى سرکوبگرانه حزب خلق براى آوردن مردم به تفكر خودشان، جرقه هاى مقاومت را در اطراف شهرها روشن ساخت. حزب خلق قيامها را سرکوب كرد، ولى عدم حمايت همه جانبه از انجام اعمال سياسى شان، خودشان را در وضعيت بغرنج غير قابل كنترل يافتند. يك سال بعد از كودتا رژيم با شورش هاى گسترده در اردو روبرو شد.

فرقه هاى داخلى حزب خلق در خونريزي ها و كشتارها دست داشتند. حزب به دو شاخه خلق و پرچم تقسيم شد. بعد از كودتا رهبر جديد حزب از جناح خلق، اعضاى رهبرى حزب از شاخه پرچم را پاك سازى نمود. حداقل صدها تن را كشت و مابقي را زندانى و يا به عنوان سفير به خارج از كشور تبعيد نمود.

رهبران خلق يك ليستى از اصلاحات را پيش رو گرفتند كه شامل طرح حذف تمام مخالفين شان و تبديل ساختار اجتماعى افغان مى شد. دستگيرى هاى گسترده و قتل عام ها بلافاصله بعد از كودتا شروع شد و آنهايى كه متهم به مخالفت با رژيم و اصلاحاتش بودند را هدف قرار مى داد كه عبارت

بودند از: مامورین دولتی سابق، رهبران مذهبی، رهبران قومها، معلمین و باقی روشنفکران و فعالان سیاسی به شمول مائویست ها، اسلام گرایان، و نژاد گراها. دستگیری های گسترده در شهر معمول بود و سرنوشت بسیاری از دستگیر شدگان در پل چرخي - زندانی در اطراف کابل- و یا جاهای دیگر مرگ بوده است. تا سال 2005 هیچ تلاشی برای نبش قبر اشخاصی که گفته می شود در گورهای دسته جمعی مجاورت زندان دفن هستند، نشده است.

معاون نخست وزیر حزب خلق، حفیظ الله امین، یک قوه محرک پشت سر اقدامات دولت برای سرکوبی مخالفین بود. علیرغم وحشی گری های زیادی که در این دوره، 1978-1979، به وقوع پیوسته، بسیار اسناد کم از واقعات و حادثات این دوره وجود دارد. پروژه عدالت افغانستان، تحقیق و تفحص مستقلی را به ارتباط حادثات دستگیری های بی مورد، شکنجه و قتل های بدون محکمه این دوره انجام داده است. ما همچنین تحقیق کرده ایم به ارتباط یک تعداد از مفقودالثری ها، آدم ربایی و توقیف های پنهانی اشخاص، که معمولاً همراه با شکنجه و قتل عام های بدون محکمه همراه بوده است. اینگونه اعمال جرم و جنایت علیه انسانیت محسوب می شود. تعداد مفقودی ها که از اپریل 1978 تا دسامبر 1979 به وقوع پیوسته نا مشخص می باشد، اما در حدود ده ها هزار نفر تخمین زده می شود. حادثات شکنجه، مفقودی و قتل های بدون محکمه که در این راپور آمده است فقط بیانگر نمونه های کمی از جنایات بی شمار که به وقوع پیوسته، می باشد.

سرکوب ها شکل دیگر به خود گرفت، حزب خلق مناطق مقاومت کنندگان را بمباردمان نموده و تعداد زیادی غیر نظامی کشته شد. پروژه عدالت افغانستان مبارزه حزب دموکراتیک خلق را مقابل مخالفان محلی در لوگر، بامیان و ننگرهار تحقیق نموده است. در هر مورد از درگیری ها شامل بمباردمان قریه ها در مناطق مستقر مخالفان بوده است. در بیشتر موارد بمباردمان ها نا مشخص و بی تناسب بوده که تعداد زیادی غیر نظامی کشته شده است. شهودی که پروژه عدالت افغانستان همراه آنان مصاحبه نموده، از عملیات های جستجو و تلاشی که منجر به دستگیری مردان و سپس ناپدید شدن شان می شده است، شرح داده اند.

این ظلم ها جرقه قیامها و شورش ها را در داخل اردوی افغان مشتعل ساخت که ثبات رژیم را تهدید می کرد. این گزارش شرح تعدادی از این قیام ها در کنر، هرات، کابل و هزاره جات و تلاشهای دولت برای سرکوبی آنها را در بر دارد. شورش در گارنیزون هرات در مارچ 1979 ممکن یک نقطه عطف برای پالیسی شوروی و تصمیمش برای حمله در دسامبر 1979 به حساب آید. پاسخ

دولت حزب دموکراتیک خلق به این قیام ها یکی از شدیدترین جنایات جنگی در آن دوره به شمار می‌رود.

تجاوز شوروی تغییری در تاکتیک جنگ به همراه آورد. قوای شوروی امین را به قتل رسانده و ببرک کارمل از جناح رقیب (پرچم) را به جای وی جایگزین نمودند. با آگاهی از ضرورت حمایت از حزب، شوروی ها قتل عام روشنفکران، رهبران مذهبی و دیگران را متوقف ساخته و به جای آن راه های سیستماتیک جاسوسی و اهداف سرکوبگرانه را اتخاذ نمودند. پولیس مخفی، خدمات اطلاعات دولت یا خاد به تقلید از KGB شوروی تنظیم شد. خاد به قتل عام های بدون محکمه به مقیاس وسیع، توقیف ها و شکنجه های افراد مظنون به حامی مجاهدین (مقاومت گران) مبادرت ورزید. در اطراف شهرها بمباردمان های نامشخص یک عمل معمولی شده که بی شمار غیر نظامیان کشته شده اند. در اوائل دهه 1980 بیشتر پناهندگان که به پاکستان رسیده بودند اظهار داشته اند که آنها به خاطر بمباردمان گریخته اند. بمباردمان غیر مشخص منجر به تشکیل یک گورستان تجاوز به حقوق بین المللی شد. پروژه عدالت افغانستان یک تعداد از این حادثات را در این راپور آورده است. اما این حادثات کمی که مستند داشته ایم باید به عنوان نمونه ای از اعمال انجام یافته در بسیاری جاها تلقی شود که باعث ویرانی حومه شهرها، کشته شدن ده ها هزار نفر و آواره شدن پنج میلیون افغان شده است.

2-2 عقب نشینی شوروی و دولت نجیب الله 1988 الی 1992

ادامه دارد...